

تأثیر فرهنگ جامعه و کارکرد اثر در شکل‌گیری کالبد و تزئینات معماری در بناهای زنده با نگاهی بر عمارت دیوانخانه

مریم شیروانی*

استادیار، عضو هیأت علمی گروه مرمت، دانشگاه هنر شیراز، شیراز، فارس، ایران.

تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۳/۹، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۸/۴/۱۲

چکیده

در دوران زند، کریم‌خان به‌عنوان حاکمی مردمی، در معماری به دنبال دستیابی به اسلوبی بود که جنبه‌های اجتماعی داشته باشد و با این دیدگاه ساخت و تزئینات بناها در این دوره بسیار تنوع می‌یابد. هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی و تحلیل معماری کالبد و تزئینات وابسته به آن با نگاهی به عمارت دیوانخانه زنده است و در پی پاسخ به این سؤال که طراحی سازه و تزئینات چگونه با توجه به کارکرد اثر و فرهنگ انتخاب شده است و نقش اجتماع در شکل‌گیری طرح معماری و تزئینات اثر چگونه است. روش تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی است و یافته‌های حاصل شده بیان می‌دارد که در این دوران فرهنگ جامعه و نگاه حکومت در پی ایجاد نگاهی عدالت‌محور و مردمی بوده که این دیدگاه در طراحی معماری و تزئینات وابسته به آن و کارکرد بخشی به اثر تأثیر داشته است. در بنای دیوانخانه با کاربری دادگستری، تمامی عناصر معماری و تزئینات جهت نمایش ویژگی‌های کارکرد بنا و روح حاکم بر فرهنگ جامعه گزینش شده است. بنابراین می‌توان اذعان داشت ریشه‌های فرهنگی جامعه و نگاه حکومتی در دوران زنده، به‌طور خاص، در طراحی سازه و تزئینات به کار گرفته شده است.

واژه‌های کلیدی

فرهنگ، کارکرد، معماری، تزئینات، دیوانخانه.

* تلفن: ۰۹۱۷۳۰۵۱۵۲۱، شماره: ۰۷۱-۳۲۲۹۷۷۷۲، E-mail: m_shirvani@shirazartu.ac.ir

مقدمه

است. بناهایی مانند ارگ کریم خان، عمارت دیوانخانه زندیه، عمارت هفت تنان، مسجد و بازار وکیل و... هرکدام با توجه به اینکه دارای کاربری‌های متفاوت هستند دارای طراحی و ویژگی‌های تزئیناتی خاصی است که تنوع چشمگیری را در این دوره ایجاد نموده است. این تنوعات در معماری و تزئینات در هنر این دوره بسیار قابل توجه است، حتی در بناهای حکومتی با توجه به اینکه برای استفاده شخصی کریم خان و خاندان سلطنتی ساخته شده‌اند، تنوع در طراحی المان‌ها و عناصر معماری وجود دارد. با نظر به این موضوع هدف این مقاله بررسی و تحلیل معماری کالبد و تزئینات وابسته به آن در دوره زندیه با نگاهی ویژه به بنای دیوانخانه زندیه با رویکرد فرهنگی و کارکردی اثر است که به آن زیاد توجه نشده است. با اینکه این اثر از ویژگی‌های شاخص معماری آن دوران می‌باشد. سؤال اصلی مطرح شده این است که آیا طراحی معماری عمارت با توجه به کاربری آن انتخاب شده و دارای ویژگی‌های فرهنگی و محیطی است. نقش اجتماع و فرهنگ در شکل‌گیری طرح معماری اثر چگونه است و درون‌مایه‌های فرهنگی در شکل‌گیری معماری و تزئینات چه تأثیراتی داشته است.

دوران زندیه که دوران آسایش و آرامش مردم ایران بود، زمان بازسازی هنر و مرحله انتقالی میان صفویه و قاجاریه است (آیت‌اللهی، ۱۳۸۰، ۲۹۸). هنر و معماری دوره کریم خان ترکیبی از معماری پیشین ایران است که به دنبال یافتن یک زبان مخصوص به خود برای ارج نهادن به تمدن و هنر گذشتگان و ادامه معماری سنتی در جهت شکوفایی هنر معماری و فنون مهندسی بومی است. طرح معماری بناهای این دوره آمیزه‌ای از معماری خاص صفویان و یادمان‌های به جای مانده از تخت جمشید بود (شفیعی و اسفندیاری، ۱۳۸۴، ۵). به‌طور خاص می‌توان گفت معماری زندیه در حقیقت همان معماری دوره صفویه است که به صورت ساده و بی‌پیرایه و مختصرتر اجرا شده است (شریف‌زاده، ۱۳۸۱، ۱۲۲). اهمیت این دوره در بحث شکل‌گیری معماری ایران تا قبل از دوران قاجار از این منظر است که هنر و معماری ایران هنوز تحت تأثیر معماری و هنر غرب تأثیر قابل قبولی نپذیرفته است و نفوذ هنر غربی در طراحی و تزئینات اصلی بناها جایگاه خاصی ندارد. تأثیرات فرهنگی و محیطی در دوره زندیه با توجه به نوع دیدگاه کریم خان که خود را پادشاه نمی‌دانست در ساخت بناهایی که به دستور او ساخته می‌شدند بسیار قابل توجه و تأمل

پیشینه تحقیق

فعالیت هنری و زیباشناختی است که کارکردی محتوایی دارد (قنبری و دیگران، ۱۳۹۵، ۹۴). محتوا و معنا در یک اثر ساخته شده می‌تواند تأثیر فرهنگ و جامعه را بازنمایاند. در مطالعات انجام‌شده تاکنون بر روی بنای مورد نظر به تحلیل آن از منظر تأثیرگذاری کارکرد اثر و فرهنگ محیطی در شکل‌گیری کالبد و تزئینات آن پرداخته نشده و عمارت دیوانخانه نیز برای بسیاری از محققان ناشناخته و یا کم‌تر شناخته شده است و این موضوع شکل‌دهنده پژوهش پیش رو است.

روش تحقیق

با توجه به ویژگی‌های معماری زندیه و بررسی عوامل فرهنگی- محیطی آن دوره جهت دستیابی به هدف مورد نظر و پاسخ به سؤالات پژوهش، روش تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی است که از بن‌مایه‌های تحقیقات تاریخی نیز تأثیر پذیرفته است. در ابتدا فرهنگ و مفهوم کارکرد در معماری زندیه از دیدگاه اجتماعی بررسی گردیده و این موضوع در عمارت دیوانخانه با توجه به سازه و تزئینات و نقش این موارد به چالش گذارده شده است تا بتوان به تحلیل محتوایی از اثر بر مبنای جامعه و فرهنگ دست یافت. بنابراین ابزارهای مورد استفاده در پژوهش برداشت‌های میدانی، مشاهده بصری، مطالعات اسنادی و مقایسه یافته‌های حاصل و استخراج و استنباط نتایج خواهد بود.

فرهنگ و مفهوم کارکرد در معماری از منظر اجتماع دوره زندیه

معماری زاینده تفکر انسان است. تأثیرات و خواست جامعه همیشه در تصمیم‌گیری در طراحی آثار نقش مهمی داشته است و به‌طور کلی می‌توان گفت آفرینش‌های معمارانه متأثر از تفکر اجتماعی خواهد بود (Backovice & Masirevic, 2010, 277). در دوران‌های مختلف

تاکنون در زمینه‌های زیادی مطالعات مرتبط با هنر و معماری دوره زندیه صورت پذیرفته است که در اکثر موارد مطالعات تاریخ‌نگاری یا معرفی آثار است. رجایی (۱۳۸۶) در «ایران و کریم خان زند»، ندیم (۱۳۹۴) در «خیابان کریم خان زند شیراز»، رجبی (۱۳۸۹) در «کریم خان زند و زمان او»، شعبانی (۱۳۸۵) در «کریم خان زند»، موسوی و دیگران (۱۳۹۰) در «تاریخ گیتی گشا در تاریخ زندیه»، هدایتی (۱۳۹۷) در «تاریخ زندیه» و ... به صورت جامع و تک‌موردی به بررسی تاریخ و معماری دوران کریم خان پرداخته‌اند. در سال ۱۳۸۷ نیز همایش بزرگ زندیه برگزار گردید و در مجموعه مقالات انتشار یافته در این همایش به بررسی آثار این دوره بیشتر از نظر وقایع تاریخی آن پرداخته شده است. شفیعی و اسفندیاری (۱۳۸۴) به تحلیل آثار ارگ پرداخته و آن را از نظر نوع تزئینات بررسی کرده و بیضاپور (۱۳۶۸) به بررسی هنر و معماری دوره زندیه پرداخته است. میرشمسی و دیگران (۱۳۹۶) در مقاله خود به بررسی تحول و تنوع نقوش در تزئینات دیواری در دوران زندیه پرداخته و همچنین حسین پور (۱۳۸۹) تحلیل و بررسی ترکیب عناصر معماری و شهرسازی در مجموعه زندیه را مورد بررسی قرار داده است. نعمتی (۱۳۸۹) نیز به بررسی مشخصات معماری دوره زندیه پرداخته است.

اما در یک بیان کلی، اثر هنری به صورت نمادی مطرح می‌گردد که شامل انسان، فرهنگ و ارتباط بین آن‌ها باشد (احمدی و دیگران، ۱۳۹۵، ۱۴). یک اثر تاریخی دارای ارزش‌هایی است که در جنبه‌های گوناگون قابلیت بازنمایی دارد. اما تحقق ارزش‌های شکلی، همان

پاریزی، ۱۳۸۱، ۳۶۶). کریم‌خان خود به پیشرفت امور ساختمانی بسیار علاقه‌مند بود. به طوری که دستور می‌داد عمله طرب و نوازندگی آلات موسیقی، دور و بر کارگران جمع شوند و با گسترش بساط شادمانی موجب تحرک بیشتر آنان گردند (شعبانی، ۱۳۸۵، ۹۰). او پیش از رسیدن به قدرت و پیش از آغاز به کارهای ساختمانی، هر جا که ساختمان زیبایی می‌دید، شکل و نقش آن را به خاطر می‌سپرد و در هنگام طراحی و اجرا آن‌ها را به کار می‌گرفت (بیضاپور، ۱۳۶۸، ۲۵). تغییرات فرهنگی - اجتماعی که توسط نگاه وکیل الرعایا به جامعه و مردم ایجاد شده بود، تغییرات شگرفی را در ساختار ابنیه و تزیینات آن‌ها ایجاد نمود. این عمل سبب گردید تا گونه‌های کالبدی معماری و تزیینات در دوران زندیه با تنوع زیادی در طراحی پلان ایجاد شوند.

نگاه کریم‌خان در تزیینات انتخاب‌شده در معماری بناها، بازتابی از نمادهای فرهنگی - انسانی است که به‌عنوان مفهومی درونی در بطن جامعه زند خود را نشان دادند. به‌طور کلی سادگی در طراحی تزیینات فضاهای بیرونی و تلاش برای نمایش سرزندگی و نشاط در طراحی فضاهای داخلی از ویژگی‌های خاص تزیینات در این دوره به حساب می‌آید (قنبری و دیگران، ۱۳۹۵، ۹۵).

عمارت دیوانخانه و نگاهی نو به تحولات حکومتی در شکل‌گیری معماری زندیه

پیش از ظهور اسلام و در عصر ساسانی، سازمان قضایی و آداب قضا و دادرسی در ایران، در دست موبدان زرتشتی بود. تا ۹۰۰ سال پس از سقوط امپراطوری ساسانی احکام قضا مبتنی بر فقه اهل سنت بود. سپس با قدرت‌گرفتن سلسله صفویه و تعیین مذهب شیعه در ایران، سیستم قضایی بر محور فقه امامیه تنظیم شد. با این حال روند تغییر در نظام قضایی تا جایی پیش رفت که در آن شرع و عرف از یکدیگر تفکیک شدند. بدین معنی که دادگاه‌های شرعی زیر نظر فقها و دادگاه‌های عرفی زیر نظر دولت و وزارتخانه مربوطه قرار داشت. این رویه در دوران زندیه بسیار شدت گرفت. به نوشته مورخین، کریم‌خان زند خود بر روند دادرسی‌ها نظارت داشت و در این دوره، مردم تا اندازه‌ای از عدالت بهره‌مند شدند (شیروانی، ۱۳۹۱، ۳۰).

قاضی در عصر زندیه "امیر دیوان" نامیده می‌شد. طرز کار دیوانخانه چنین بود که شکایات و دعاوی حقوقی را به حکام شرع ارجاع می‌کردند و حکام درباره شکایت حکم می‌دادند (اعظام قدسی، ۱۳۴۹، ۲۰۲). این نگاه فرهنگی - انسانی شکل گرفته در دوران زندیه لزوم ساخت عمارت دیوانی را ایجاد نمود. بنابراین ساخت عمارت دیوانخانه زندیه به حکم کریم‌خان زند شروع گردید که در سال‌های ۱۱۴۵ تا ۱۱۵۳ ه.ق همزمان با ساخت ارگ کریم‌خان ساخته شد.

دیوانخانه به‌عنوان محل مکاتبات اداری و دیوانی کاربری داشته و فضایی است که کریم‌خان جهت دیدار سفیران، وزیران، رسیدگی به شکایات مردمی و ... از آن استفاده می‌نموده است. بنابراین نوع طراحی معماری و تزیینات وابسته به آن به‌طور خاص طراحی شده است چرا که این بنا بر خلاف دیگر بناهای شخصی کریم‌خان کاربرد سلطنتی نداشته و برای استفاده عموم مردم طراحی شده است.

این تفکر در طراحی و ساخت بناهای مختلف حکومتی، مذهبی و ... به‌خوبی خود را نشان می‌دهد. در نظر حاکمان بناهای ساخته‌شده در جهت نمایش قدرت و دوام و سیاست آن‌ها بسیار مهم هستند (Kostof, 1995, 717). این تفکر اجتماعی با توجه به نوع کارکرد اثر جایگاه ویژه‌ای در معماری حکومت‌ها را به خود اختصاص می‌دهد. در معماری ایران، در ساخت بناها، توجه به اصول پنجگانه معماری (مردم‌واری، پرهیز از بیهودگی، نبارش، خودبسندگی، درون‌گرایی) کاملاً توسط سازندگان آثار مورد توجه قرار می‌گرفته است (پیرنیا و معاریان، ۱۳۹۶). و در طراحی بناها کارکرد نیز نقش مهمی داشته است. کارکرد اثر در انتخاب فضای معماری بسیار قابل توجه است (راپاپورت، ۱۳۸۲، ۲۹). بنابراین از مهم‌ترین وجوه در طراحی معماری، کارکرد فیزیکی اثر است که به چه منظور ساخته می‌شود و استفاده‌کنندگان از آن چه کسانی هستند.

حکومت‌ها از معماری برای نشان دادن سلطه و اعمال سلطه، نمایش توانایی هنری و فنی و مدیریتی و اقتصادی، افزون بر شکاف طبقاتی یا کاستن از آن و مانند اینها بهره‌نمادین می‌بردند (مهرگان و محمدی بیدسدره، ۱۳۹۴، ۸۰). همیشه وضعیت سیاسی، اجتماعی و هنری به نگرش و حمایت حکومت‌ها بستگی داشته است. فراز و نشیب تاریخی وضعیت هنر بیانگر این است که هر زمان هنرمندان از امنیت، آسایش و رفاه اجتماعی و حمایت‌های درباری برخوردار بودند توانسته‌اند آثار ارزشمند هنری بیافرینند و هر زمان که بستر اجتماعی فراهم نبوده است و همچنین حمایت‌های حکومتی قطع شده شاهد رکود در وضعیت هنر هستیم. در این حالت میزان رشد و بالندگی هنر در آن دوران پایین می‌آمده است (مکی‌نژاد، ۱۳۸۷، ۱۱۲). که در دوران‌های مختلف این امر در طراحی سازه و تزیینات به چشم می‌خورد.

در معماری سنتی ایران، در ارتباط با کارکرد کالبدی اثر، کارکرد تزییناتی (معنایی) نیز بسیار مورد توجه بوده است. تنوع تزیینات در دوران‌های مختلف در بناهای گوناگون گواهی بر این ادعاست. در مباحث معماری امروز نمادها و نشانه‌شناسی اثر (تحلیل سازه و تزیینات) به‌عنوان رویکردی در تحلیل‌های ساختاری متن به مطالعه چگونگی شکل‌گیری معنای متن می‌پردازد (قنبری و دیگران، ۱۳۹۵، ۱۰۰). ساختار متن همان کالبد است و معنای متن شامل تزیینات وابسته به آن خواهد بود. که موقعیت‌های زمانی - مکانی و زمینه‌های فرهنگی - اجتماعی بر روی آن قابل مطالعه هستند.

مهم‌ترین معیار خواندن کالبد بنا شیوه زندگی (فرهنگ) است. که به‌عنوان حوزه‌ای که نظام زندگی، تفکر، همکاری‌ها و تبادلات اجتماعی در آن نقش ایفا می‌کنند و عاملی در تعریف الگوها و تئوری‌ها و به مثابه مکانیسم پیونددهنده مردم و محیط است و معماری به‌عنوان یکی از عالی‌ترین محصولات انسان متأثر از فرهنگ و شیوه زندگی شکل یافته است (راپاپورت، ۱۳۸۲، ۵۲). دیدگاه فرهنگی حاکم بر جامعه در شکل‌گیری معماری نقش مهمی دارد (رجایی، ۱۳۸۶، ۱۸). جامعه و فرهنگ ایران با حضور کریم‌خان بسیار متحول گردید. تاریخ ایران او را جزو معدود پادشاهان عادل نام برده است (باستانی

الف) تحلیل ویژگی‌های معماری عمارت دیوانخانه زندیه

عمارت دیوانخانه زندیه به‌عنوان یک فضای اداری حکومتی در دوران زندیه کاربری داشته است. نوع طراحی معماری آن نیز به دلیل کارکرد خاص اثر از بسیاری از بناهای این دوران متفاوت ساخته شده است. البته ذکر این نکته قابل تأمل است که معماری دوره زندیه از حیث ساختاری دارای تنوع بسیاری است (شفیعی و اسفندیاری پور، ۱۳۸۴، ۱۵). در معنانشناسی آثار معماری، شکل، فرم عناصر و نقش‌ها به مثابه ابزارهای فرهنگی تفسیر می‌شوند (شعیری، ۱۳۸۹، ۵). در این بنا نیز این موضوع صدق می‌کند. فرم و عناصر تشکیل‌دهنده آن به سبب کاربری خاص بنا و روح حاکم بر جامعه دوران زندیه و فرهنگ غالب بسیار خاص و قابل تأمل است.

از لحاظ کارکرد معماری و کالبدی اثر، یکی از ویژگی‌های خاص بنای عمارت دیوانخانه، ساخته‌شدن آن در یک جبهه است که در جلو آن حیاط بسیار بزرگی قرار دارد و یک حوض بزرگ سنگی کل حیاط و جلو عمارت را در بر گرفته است (تصویر ۱). اندازه بزرگ حیاط عمارت نشان از تدبیر طراح معمار بنا دارد که به جهت استفاده این بنا توسط گروه‌های مختلف مردمی و تأمل جهت بررسی شکایات و دعاوی آن‌ها، فضای انتظار مناسبی طراحی گردد. محصورشدن عمارت توسط دیوارهای بزرگ و رفت و آمد به درون عمارت تنها از درب ورودی آن در جبهه روبه‌روی اثر، امنیت را در فضای درونی عمارت ایجاد می‌کرده است و بنا از یک ویژگی درون‌گرایی خاصی برخوردار است.

از دیگر شاخصه‌های این عمارت متقارن ساخته‌شدن کامل بنای اثر و حیاط است و این تقارن در معماری اثر و به دنبال آن در تزیینات آن بسیار چشمگیر است. تقارن در هنر و معماری برگرفته از توازن و عدالت میان اندازه‌ها و تقسیمات فضایی است. تقارن خود موجب تعادل و توازن می‌شود. قرینه‌سازی یک اصل پذیرفته‌شده در تزیینات معماری ایران است (مکی‌نژاد، ۱۳۸۷، ۱۰۲). شاید طراح معمار اثر با توجه به کاربری خاص این عمارت به‌عنوان دیوانخانه (دادگستری امروزی) این تقارن را به‌طور کامل در تمامی فضاها و ریزفضا به کار برده است. البته تعادل و تقارن در بناهای دوره زندیه تقریباً به چشم می‌خورد و این می‌تواند نشان از توجه کریم خان به برقراری توازن در جامعه و تعادل میان افراد باشد.

حضور ۴ راهرو ارتباطی در دسترسی اثر از درون اتاق‌ها و از حیاط

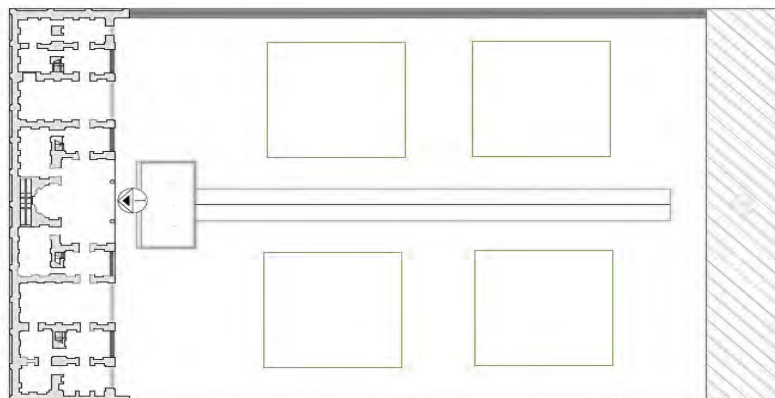
عمارت نیز از دیگر ویژگی‌های خاص اثر است. این طراحی به نظر می‌رسد به جهت ایجاد سلسله‌مراتب برای رسیدگی به دعاوی ایجاد شده باشد که افراد با گذر از فضای مشخص شده و با رعایت سلسله مراتب به محل دادرسی که به احتمال قوی ایوان اصلی رو به حیاط می‌باشد برسند. در این ایوان، فضای شاهنشین وجود دارد که محل نشستن کریم‌خان و رسیدگی به امور دیوانی و دعاوی بوده است و از لحاظ فرم ساختاری در محل مرکزی بنا بوده و تسلط کامل بر کل عمارت و حیاط دارد.

پس از فضای شاهنشین، اتاق‌ها و راهروهای بخش بعدی به صورت کاملاً متقارن وجود دارد که برای اعلام نتایج دعاوی و مراحل پس از داوری و اعلام مجازات‌ها در نظر گرفته شده بوده است. ساخت چنین بنایی با طراحی سیستماتیک و توجه به سلسله مراتب از ویژگی‌های بارز معماری عمارت دیوانخانه است که با توجه به کارکرد اثر و رویکرد فرهنگی حاکم بر جامعه دوران زندیه ساخته شده است. و چنین طراحی هوشمندانه‌ای در کم‌تر بنایی با توجه به کاربری خاص آن به چشم می‌خورد.

ب) تحلیل تزیینات وابسته به معماری اثر با توجه به کارکرد و رویکرد فرهنگی

تزیینات در هنر با معنا و مفهومی فراتر از آراستن و پوشش ظاهری و عرصه‌ای در بازتاب مفاهیم و نمادهای فرهنگی - انسانی در امتدادهای تاریخی است که نه به هدف خودنمایی و بیان خویشتن که به جهت بیان مفهومی درونی به کار می‌رود (قنبری و دیگران، ۱۳۹۵، ۹۷). در تحلیل تزیینات وابسته به معماری در دوران زندیه بیشتر بر روی فضاهای داخلی در بناها ب می‌شود و در فضای بیرونی کم‌تر بدان پرداخته می‌شود. اما عمارت دیوانخانه از این قاعده مستثنی است. ویژگی عملکردی اثر سبب شده است که تزیینات به‌طور خاص و با مضمون متناسب با اثر در این بنا مورد استفاده قرار گیرند. کارکرد اثر و رویکرد فرهنگی جامعه در شکل‌گیری تزیینات این اثر تأثیر قابل ملاحظه‌ای داشته است.

یکی از مهم‌ترین تزیینات در این عمارت حجاری‌های خاص جلو عمارت در قسمت پایین شاهنشین رو به حیاط است که دارای مضمونی خاص و عدالت محور بوده که این نوع حجاری در هیچ کدام از بناهای



تصویر ۱- پلان معماری عمارت دیوانخانه زندیه. مأخذ: (آرشو سازمان میراث فرهنگی فارس)

برجای گذاشته است (حدیدی و دیگران، ۱۳۸۸، ۷). ایرانیان شاهین را خدای طوفان، سرور پرندگان، نماد قدرت، خوش یمن می‌دانستند که حضوری پر صلابت در بیان قدرت و عدالت دارد (همان، ۱۳). عقاب و شاهین در اساطیر دارای یک معنا هستند و در آثار بدون تمایز بررسی می‌شوند (خسروی، ۱۳۹۱، ۷۰) شاهین (عقاب) مبین ادامه زندگی و مقاومت در قبال حوادث نابودکننده ناشی از طوفان است (همان، ۷۱). معانی سمبلیک شاهین عبارت از بینایی، تفکر، خرد و سکوت است (جایز، ۱۳۷۰، ۳۶) و حضور این پرنده در این حجاری نمادی از نگاه تیزبینانه و مقتدرانه در برقراری عدالت در جامعه و احقاق حقوق مردم و مقاومت در برابر ناگواری‌های زندگی تا برقراری آرامش دارد. این نقش برجسته نمونه منحصر به فردی از هنر حجاری است که در دوران زندیه استفاده شده است. کما اینکه هنر حجاری روایتی در ایران پس از سقوط سلسله‌های هخامنشی و ساسانی، در دوران اسلامی از بین رفته است. احیا این هنر در دوره زندیه در شیراز همان بحث بازگشت و ارج نهادن به تمدن و هنر گذشتگان توسط حاکمان زندیه را دارد. اما نقوش و سمبل‌ها در هر ملتی، همانند گنجی هستند که نشانی از تصور بشر در طول حیات خود دارند و نمایش آرزوها، تخیل‌ها و تفکرهای آنان است که در بین بشر سینه‌به‌سینه از نسل‌ها عبور کرده و در این سیطره تحت تأثیر عوامل گوناگونی مانند تفکرات و اعتقادات، نفوذ جریان‌های هنری مختلف، خواست حاکمان و سفارش دهندگان و خلاقیت هنرمندان تغییر و تحول یافته است.



تصویر ۳- نبرد رستم و اشکبوس در نقش برجسته حجاری جلو ایوان.



تصویر ۵- شاهین حجاری جلو عمارت.

دیگر دوران زندیه به چشم نمی‌خورد (تصویر ۲). اصولاً حجاری‌ها در دوران زندیه در بناها شامل المان‌های ساده هندسی و یا طرح ترنج خاص زندی است که در پلکان‌ها، ازاره‌ها و دیگر قسمت‌های بناها به کار رفته است و این حجاری تنها داستان روایتی است که از شاهنامه برگرفته شده است. این نقش برجسته تصویر نبرد رستم و اشکبوس را نشان می‌دهد که یک داستان عدالت طلبانه در شاهنامه بوده و مورد توجه جامعه فرهنگی آن دوران بوده است (تصویر ۳). در دو طرف این داستان، دو تصویر شیر حجاری شده که به صورت قرینه بوده و در غل و زنجیر قرار دارند (تصویر ۴). شیر نماد قدرت، دلیری، عدالت و قانون و از طرفی نماد بی‌رحمی و جنگ در ایران است (هال، ۱۳۹۲، ۳۲۰). در ادبیات، شیر استعاره شایسته‌ای برای پادشاهان دوستدار جنگ است (همان، ۳۲۲). اما در این نقش برجسته تصویر شیر در غل و زنجیر گرفتار است و می‌توان آن را با توجه به فرهنگ روحی جامعه اینگونه تفسیر نمود که جنگ و ناآرامی از بین رفته و صلح برقرار خواهد بود و یا اینکه هر قدرتی در برابر عدالت یکسان بوده و تفاوتی بین قوی و ضعیف در برقراری عدالت وجود ندارد. قرینه‌سازی تصاویر نیز برابری را در تزیینات عمارت نشان می‌دهد. در دو طرف شیرها دو شاهین حجاری شده است که به فرمی مقتدرانه و با نگاهی نافذ بر روی شاخه‌ای نشسته است (تصویر ۵). در فرهنگ ایران نیز شاهین نماد تیزبینی است. نقش مایه شاهین یکی از نقوش مشترک بین تمدن‌های باستانی است که به دلیل داشتن ظاهری پرصلابت و فیزیکی قدرتمند با عبور از منشور رمزآمیز فرهنگ و هنر ایشان، تعبیراتی مشترک و متقارن



تصویر ۲- حجاری جلو عمارت و فضای شاه‌نشین.



تصویر ۴- شیر حجاری جلو عمارت.

تزیینات ایجاد می‌کند که می‌توان به شروع استفاده از رنگ و گل‌های صورتی و قرمز اشاره نمود. در رنگ‌آمیزی، ترکیبات و هماهنگی بین رنگ‌های گرم و درخشان (قرمز و طلایی) و تلالو نور از ویژگی‌های خاصی است که از مکتب هنری شیراز در هنر دوره زندیه نفوذ پیدا کرده است. در این دیوارنگاره‌ها رابطه معنایی بین نقش و زمینه بیانگر توجه به محتوای تصاویر و به‌کارگیری هدفمند آنهاست. در فضای درونی عمارت که محل بررسی شکایات و دیدار مردمان بوده است تصاویر با اجرای رنگ‌های گرم و امنیت‌بخش اجرا شده است که بتواند نوعی اطمینان خاطر را با توجه به تعلقات خاطر فضا ایجاد نماید.

اما در ایوان که محل نشستن کریم خان است بر روی مقرنس‌های اجرا شده از ورقه طلا استفاده شده است و سپس تزیینات با رنگ آبی روی آن ترسیم شده‌اند (تصویر ۷). رنگ آبی به نوعی آرام‌بخش است که در زمینه طلایی استفاده شده است که علاوه بر نشان دادن ابهت (رنگ طلایی) بتواند یک نوع آرامش خاطر (رنگ آبی) را در دید بیننده ایجاد نماید. توجه به انتخاب نوع رنگ در فضای درونی و ایوان بیرونی نشان از آگاهی و دانش کامل طراح تزیینات و شناخت روحیه جامعه و کارکرد اثر دارد که در این بنا با کاربری خاص خود آن را به نمایش می‌گذارد. اما آجرکاری نیز در تزیینات بیرونی عمارت دیده می‌شود که در نهایت سادگی استفاده شده است و بیشتر در اطراف طاق نماهایی است که در دیوار بیرونی حیاط استفاده شده است (تصویر ۸). سادگی و بی‌پیرایگی این نوع از تزیینات نیز با نوع کاربری بنا بسیار همخوانی دارد. از تزیینات پرطمطراق آجری که در دیگر بناهای کریم‌خانی مانند ارگ استفاده شده در این اثر خبری نیست و سادگی آن بسیار مورد توجه است. این سادگی در جهت بیان هنر مردم نگر و ساده اندیش است که به‌خوبی در طراحی مورد استفاده قرار گرفته است. بنابراین شاید بتوان گفت که این تزیینات در راستای کارکرد اثر به‌عنوان عمارت دیوانی و با توجه به روحیه خاص کریم‌خان و فرهنگ مردمی ساده اندیشی در جامعه انتخاب و طراحی شده‌اند. و این نوع دیدگاه از یک حاکم و والی در آن دوران بسیار قابل تأمل و ستایش است.

تزیینات نقاشی دوره زندیه به لحاظ روش‌ها و اندک تغییراتی ادامه همان سبک و سیاق دوره صفوی است (مکی‌نژاد، ۱۳۸۷، ۴۷). در این دوره در طراحی نقوش از طرح‌های اسلیمی و ختایی، نقوش هندسی، نقش‌های گل و بوته، گل و مرغ و... به صورت پرکاری استفاده شده است. در تزیینات داخلی عمارت دیوانخانه این تصاویر کاملاً دیده می‌شود که به صورت تلفیقی با یکدیگر اجرا شده‌اند. اسلیمی در مفهوم کلی متضمن تزیین است. چه به صورت گیاهان استلیزه و چه به صورت خط‌های هندسی در هم پیچیده. این فرم در عین اینکه مانند آهنگ و وزن در یک اثر جلوه می‌کند، آشکارا نیز پیوند اصلی خود را با گیاهان نگاه می‌دارد و با آنکه ظاهراً از طبیعت دور شده است باز با غنا و فراوانی مرتبط است (بورکهارت، ۱۳۶۵، ۷۲). حضور اسلیمی‌ها در فضای داخلی عمارت نیز نشان از رشد و فراوانی دارد.

نظم ذاتی طراحی نقوش گیاهی، علی‌رغم ماهیت آزاد و گسترش پذیر آن‌ها در ایجاد حس تعادل بسیار مؤثر است. این موضوع در نقاشی دیواری دوره زندیه با استفاده فراگیر از تقارن در طراحی نقوش گیاهی و اسلیمی بارزتر شده است (میرشمسی و دیگران، ۱۳۹۶، ۵۲). نقش مایه گل و مرغ که خاص هنر دوره زندیه است در این بنا نیز در طراحی داخلی استفاده شده است (تصویر ۶). در معانی سمبلیک مرغ نماد صلح، مادینگی، مراقبت مادرانه و مشیت الهی است (جهانبخش و شیخی‌نارانی، ۱۳۹۵، ۱۳۱). در سبک معماری زندیه نقش پرده به صورت پراکنده بر روی گل‌ها کشیده شده و پایه گل‌ها بر روی زمین قرار دارد (شهدادی، ۱۳۸۴، ۲۴۴). حضور نقش مرغ در نقوش داخلی فضای عمارت علاوه بر ویژگی هنر زندیه، برگرفته از همان روحیه فرهنگی جامعه و کارکرد اثر است. گمان می‌رود هنرمند سعی نموده است با انتخاب این طرح در فضای داخلی که محل رسیدگی به دعاوی است مخاطب را به صلح و آرامش دعوت کند و مشیت الهی و مراقبت‌های حاکم بر احقاق حقوق مردم را یادآوری کند.

در گذر زمان و نفوذ و فرهنگ سلیقه غربی در دوره زندیه، روال معمول التقاط‌گرایی فرهنگی بار دیگر خود را نمایان می‌سازد. این پیوند مابین فرهنگ‌ها تفاوت‌های نوینی در استفاده از رنگ‌ها در



تصویر ۶- نقش مایه گل و مرغ در عمارت.



تصویر ۷- مقرنس ایوان شاه‌نشین.



تصویر ۸- آجرکاری عمارت.

نتیجه

معماری کاملاً از این کارکرد پیروی نموده است. انتخاب یک پلان قرینه در دو طرف فضای شاه‌نشین که محل انجام مکاتبات دیوانی است و رعایت سلسله‌مراتب دسترسی و عنوان شکایات تا بیان نتایج و خروج از عمارت حاکی از توجه بسیار مهم به این امر دارد. حیاط بزرگ با ورودی مستقل بر امنیت بخشی فضا افزوده است. بنابراین از لحاظ سازه می‌توان توجه به تمایلات سفارش‌دهنده (حاکم) و استفاده‌کنندگان (مردم) را کاملاً مشاهده نمود. در بحث تزیینات وابسته به معماری نیز این موضوع کاملاً قابل توجه است. تزیینات حجاری، نقش برجسته، نقاشی دیواری و آجرکاری تمامی در راستای نمایش بستر اجتماعی جامعه و کاربری بنا انتخاب شده‌اند و این گونه طراحی مخصوصاً در تزیینات نقش برجسته در دیگر بناها دیده نمی‌شود. تمرکز تزیینات در فضای داخلی و عدم استفاده از تزیینات زیاد در نمای بیرونی، تلاشی در جهت ساده‌سازی جلوه و شکوه بناست. بنابراین می‌توان گفت در فرآیند شکل‌گیری کالبد فیزیکی (معماری) اثر، تأثیر خاستگاه اجتماعی و انگیزه سفارش‌دهنده آن بسیار مؤثر است. توجه به مخاطب و کاربری داده‌شده به اثر با توجه به دیدگاه محیطی در ساخت آن به چشم می‌خورد. بنابراین می‌توان گفت توجه و بررسی بستر شکل‌گیری آثار و نوع نگاه جامعه‌شناختی آن در بررسی دوره‌های معماری، می‌تواند راه‌گشای شناخت عمیق‌تر برخی از علت‌های شکل‌دهنده و ایجاد فرم‌ها و ساختارهای آثار گردد که این موضوع مخصوصاً در بحث تزیینات عمارت دیوانخانه کاملاً قابل درک است.

هر اثر معماری می‌تواند از دریچه‌های مختلفی مورد بررسی قرار گیرد که هر کدام از این فرآیندها ویژگی‌های خاصی از اثر را نمایان خواهند ساخت. توجه و بررسی تاریخی و اجتماعی شکل‌گیری اثر و دستیابی به تأثیرات آفرینش اثر هنری و شناخت تفکرات استفاده‌کنندگان و سفارش‌دهندگان از زوایای مهم در بررسی فرآیند آفرینش اثر است. زیرا علت وجودی این بنا سفارش حاکم و کاربری آن بوده است. روحیه مردمی کریم خان و تلاش او برای ایجاد عدالت و برابری در جامعه بر روی فرهنگ عمومی آن دوران تأثیر بسیار زیادی گذاشته است و در طراحی بنای دیوانخانه می‌توان این رویه را مشاهده نمود. بنابراین در پاسخ به سؤال مطرح‌شده در پژوهش که آیا طراحی معماری عمارت با توجه به کاربری آن انتخاب شده و دارای ویژگی‌های فرهنگی و محیطی است. نقش اجتماع و فرهنگ در شکل‌گیری طرح معماری اثر چگونه است و درون‌مایه‌های فرهنگی در شکل‌گیری معماری و تزیینات چه تأثیراتی داشته است، می‌توان گفت دیدگاه فرهنگی جامعه و نگاه حکومت (کریم‌خان زند) در این دوران بسیار تغییر کرده و این تغییرات با دیدگاه مردم دوستانه و مردم‌نگر، در طراحی فضاها تأثیر داشته است. در هنر زندیه، نگاره‌ها و المان‌های تصویری به‌عنوان نشانه‌های فرهنگی (معنایی) هستند که عمیق‌ترین تأثیر را از مفاهیم و گرایش‌های مردمی جامعه زند داشته است. در عمارت دیوانخانه زندیه با توجه به انتخاب کارکرد اثر به‌عنوان دادگستری امروزی و انجام امور دیوانی، طراحی کالبد

فهرست منابع

- احمدی، حسین؛ رسول وطن دوست و مریم شیروانی (۱۳۹۵)، خوانش فرآیند ادراک و دریافت زیبایی در نظرگاه مخاطبان آثار هنری براساس مقایسه و تحلیل آرای فلاسفه اسلامی و غربی، *نشریه هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی*، دوره ۲۱، شماره ۴، صص ۱۳-۲۰.
- اعظام قدسی، حسن (۱۳۴۹)، *خاطرات من یا روشن شدن تاریخ صدساله*، تهران.
- آیت‌اللهی، حبیب‌الله (۱۳۸۰)، *تاریخ هنر ایران*، انتشارات آگاه، تهران.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۸۱)، *نای هفت‌بند*، انتشارات نشر علم، تهران.
- بیضاپور، محمد (۱۳۶۸)، *نگاهی به هنر و معماری دوره زندیه*، انتشارات نوید، شیراز.
- بورکهارت، تیتوس (۱۳۶۵)، *هنر اسلامی، زبان و بیان*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، انتشارات سروش، تهران.
- پیرنیا، محمد کریم و غلامحسین معماریان (۱۳۹۶)، *سبک‌شناسی معماری ایران*، سروش دانش چاپ هشتم، تهران.
- جایز، گروتروود (۱۳۷۰)، *سمبل: کتاب اول جانوران*، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- جهانبخش، هانا و هانیه شیخی نارانی (۱۳۹۵)، پژوهشی پیرامون نقش گل و مرغ و کاربرد آن در هنرهای سنتی ایران (دوران زندیه و قاجاریه)، *فصلنامه تاریخ نو*، شماره ۱۶، صص ۱۲۹-۱۶۲.
- حدیدی، الناز و ابوالقاسم دادور و عباس اکبری (۱۳۸۸)، *رمزاندیشی ایرانیان باستان در خصوص نقش‌مایه عقاب و انعکاس آن بر روی برخی مصنوعات، مجله نقش مایه*، بهار و تابستان، شماره ۳، صص ۷-۲۰.
- حسین‌پور، محمد (۱۳۸۹)، *شهرنشینی و شهرسازی در عهد زندیه، تحلیلی در ترکیب عناصر معماری و شهرسازی مجموعه زندیه (مجموعه مقالات)*، ج ۲، به کوشش محمدعلی رنجبر و علی اکبر صفی‌پور، شیراز، بنیاد فارس‌شناسی.
- خسروی، الهه (۱۳۹۱)، *بررسی نقوش و اشکال پرنده در هنر ایران باستان، مجله نقش مایه*، شماره ۱۵، صص ۶۹-۸۴.
- راپاپورت، آموس (۱۳۸۲)، *خاستگاه‌های فرهنگی در معماری*، ترجمه صدف آل رسول و افرا بانک، *مجله خیال* (۸)، صص ۵۶-۹۷.
- رجایی، غلامعلی (۱۳۸۶)، *ایران و کریم‌خان زند (نواوری‌های کریم‌خان در دوره حکومت)*، انتشارات نیکتاب، تهران.
- رجبی، پرویز (۱۳۸۹)، *کریم‌خان زند و زمان او*، کتاب آکامه، تهران.
- شریف‌زاده، عبدالمجید (۱۳۸۱)، *دیوارنگاری در ایران: زند و قاجاریه در شیراز*، چاپ اول، انتشارات موسسه صندوق تعاون، تهران.
- شفیعی، فاطمه و هوشنگ اسفندیاری (۱۳۸۴)، *جلوه‌گاه هنر و معماری*
- در/ارگ کریم‌خانی شیراز، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان فارس.
- شعبانی، رضا (۱۳۸۵)، *کریم‌خان زند*، جلد ۲، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.
- شعیری، حمیدرضا (۱۳۸۹)، *تجزیه و تحلیل نشانه- معناشناختی گفتمان*، انتشارات سمت، تهران.
- شهدادی، جهانگیر (۱۳۸۴)، *گل و مرغ (درچه‌ای به زیبایی‌شناسی ایرانی)*، نشر کتاب خورشید، تهران.
- شیروانی، مریم (۱۳۹۱)، *دیوانخانه یادگاری از هنر دوره زندیه در شیراز*، انتشارات تخت جمشید، شیراز.
- قنبری، تابان؛ حسین سلطان‌زاده و محمدرضا نصیرسلامی (۱۳۹۵)، *نشانه‌شناسی محتوا و زمینه‌های مؤثر بر دیوارنگاری و تزیینات دوره زندیه با تأکید بر درون‌مایه‌های هنر قومی، باغ نظر*، دوره ۱۳، شماره ۴۵، صص ۹۱-۱۰۴.
- مکی‌نژاد، مهدی (۱۳۸۷)، *تاریخ هنر ایران در دوره اسلامی (تزیینات معماری)*، انتشارات سمت، تهران.
- موسوی‌نامی اصفهانی، محمد صادق؛ نفیسی، سعید؛ شیرازی، محمد رضا و عبدالکریم بن علی رشیف (۱۳۹۰)، *تاریخ گیتی‌گشا در تاریخ زندیه*، اقبال، تهران.
- مهرگان، حسین و ایمان محمدی بید سرده (۱۳۹۴)، *بررسی تطبیقی مسجد شاه اصفهان و مسجد وکیل شیراز: فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات شهر ایرانی- اسلامی*، شماره ۲۲، صص ۷۹-۸۶.
- میرشمسی، فرشته سادات؛ محمد صادق میرزا ابوالقاسمی و فتح‌الله زارع خلیلی (۱۳۹۶)، *تنوع نقوش گیاهی در نقاشی دیواری عصر زندیه در شیراز: نشریه هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی*، دوره ۲۲، شماره ۱، صص ۴۳-۵۲.
- ندیم، مصطفی (۱۳۹۴)، *خیابان کریم‌خان زند شیراز*، امید دانا، تهران.
- نعمتی، محمد (۱۳۸۹)، *مشخصات معماری دوره زندیه، زندیه (مجموعه مقالات)*، ج ۲، به کوشش محمدعلی رنجبر و علی اکبر صفی‌پور، شیراز، بنیاد فارس‌شناسی.
- هال، جیمز (۱۳۹۲)، *فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب*، ترجمه رقیه بهزادی، انتشارات فرهنگ معاصر، تهران.
- هدایتی، هادی (۱۳۹۷)، *تاریخ زندیه: ایران در زمان کریم‌خان (۱۱۶۵-۱۱۹۳)*، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- Backovice, Vera & Masirevic Ljubomir (2010). *Social Theory and Architecture*. Serbian Architectural journal, issue 2, pp. 237-238.
- Kostof, Spirol (1995). *A History of Architecture: Settings and Rituals*, Oxford University Press. New York.

The Impact of Community Culture and Functional Effect on the Formation of the Body and Architectural Decoration in Zandieh's Buildings by Looking at the Divankhaneh Mansion

Maryam Shirvani*

Assistant professor, Shiraz University of Arts, Shiraz, Iran.

(Received 24 Nov 2018, Accepted 3 Jul 2019)

Zandieh era, which was the era of comfort and tranquility of the people of Iran, is the time to reconstruct art and transitional phase between Safavid and Qajar. Karim Khan's art and architecture is a mix of Iranian Architecture Who seeks to find their own language to praise civilization and the art of the ancients and to continue the traditional architecture to flourish the art of architecture and native engineering techniques. The architectural design of the buildings of this period was a combination of the Safavid architecture and the memorials that remained of Persepolis. In particular, it can be said that Zandieh architecture is in fact the same Safavid era architecture, which has been implemented in a simpler and more abstract manner. In the era of Zand, Karim Khan, as a popular sovereign, sought to reach Slobby, which has a popular aspect. And with this view, the construction and decoration of buildings is very diverse in this period. In view of this, the purpose of this article is to study and analyze the architecture of the body and its decorations in the Zandieh period with a special look at the construction of the Divankhaneh with a cultural and functional approach to the effect that has not been overlooked. Although this work is a feature of the architectural index of that era. The main question raised is whether the architectural design of the mansion is selected according to its use and has cultural and environmental characteristics. The role of society and culture in shaping the architectural design of the effect and how it influenced the cultural foundations in the formation of architecture and decor. The research methodology is descriptive and analytical, and the findings show that the cultural perspective of society and the government's view (Karim Khan Zand) has changed considerably in this period. These changes have influenced the design of spaces with a friendly and ethnographic view. In Zandieh's art, vi-

sual signs are more of a cultural sign (semantic) which has had the deepest influence from the ancient patterns, concepts and tendencies of the community. The focus of interior decoration and the lack of use of decorations in the exterior, is an attempt to simplify the appearance and splendor which is expressed as a cultural interest in the formalities of the hierarchy of interior space. In the process of creating the architectural structure of the work, the impact of the social origin and its motivation is very effective. Attention to the audience of the work and the given to it according to the environmental perspective in the construction of works. Therefore, it can be said that strengthening the sociological perspective in examining the courses of architecture can provide a way for a deeper understanding of some of the existential causes of the emergence of their forms and structures. This is particularly understandable in the debate about the decorations of the Divan khane Mansion. The art of Zandieh's period is very impressive, and decorations and construction includes a variety of beauty.

Keywords

Culture, Functionality, Architecture, Decorations, Divankhaneh.